**نام مقاله: بررسي وضعيت مطالعه زنان شاغل و خانه دار شهر شيراز**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 49 \_ شماره اول، جلد 13**

**پديدآور: دكتر حسن كياني خوزستاني، دكتر سعيد رضايي شريف آبادي، شهلا سام**

**چكيده**

**پژوهش حاضر، با استفاده از پرسشنامه، به مقايسة وضعيت مطالعة منابع اطلاعاتي 363 نفر از زنان شاغل و خانه‌دار در شهر شيراز پرداخته است. يافته‌هاي پژوهش نشان مي­دهد عواملي مانند ميزان مطالعۀ والدين، ميزان مطالعۀ دوران كودكي و نوجواني، سن، وضعيت تأهل، تمايل همسران زنان متأهل به مطالعه، دسترسي به منابع اطلاعاتي و دسترسي به رايانه و مهارت بهره‌گيري از آن، از جملة عوامل مؤثر در مطالعه است. در پايان، با تكيه بر يافته­هاي گزارش شده، رهنمودها و توصيه‌هايي به منظور افزايش ميزان مطالعة زنان ارائه شده است.**

**كليدواژه‌ها: خواندن، زنان خانه‌دار، زنان شاغل، شيراز، كتابخواني، مطالعه.**

**مقدمه**

وقتي سخن از مطالعه به ميان مي‌آيد، تصويري از كتاب، مجله، روزنامه يا ديگر مواد چاپي در ذهن نقش مي بندد، حتي گاهي واژة مطالعه، مترادف با واژة كتابخواني تلقي گردد.

در لغتنامة دهخدا، در تعريف واژة مطالعه چنين آمده است: «نگريستن به هر چيز براي واقف شدن به آن و تأمل و تفكر و انديشه؛ نظر به دقت. فرهنگستان ايران به جاي اين كلمه، «بررسي» را پذيرفته است» (دهخدا،1377،21051).

«حري» (1385)، عقيده دارد: «هرگاه غرض از كتاب، ماده و ساختار ويژه‌اي است كه از طريق آن، افكار و انديشه‌ها از مبدأيي به مقصدي انتقال مي‌يابد، بايد گفت كه ماده و ساختار، تابع بسياري شرايط اجتماعي، اقتصادي و فني دوره‌هاي تاريخي است؛ و با تغيير اين شرايط، مواد و ساختارها نيز تحول مي‌يابد و انواع جديدتر - كه ناشي از نوآوري هر دوره است - جايگزين انواع كهن مي‌شود.» (حري، 1385، 167)

با وجود آن كه ايران كشوري فرهنگي محسوب مي‌گردد، همواره در گزارشهاي آماري به ميزان پايين مطالعه در ميان مردم و فقر مطالعاتي اشاره شده است كه يكي از علل اصلي آن، بي‌توجهي به آموزش صحيح مطالعه و ايجاد انگيزة مطالعاتي است (رحماني، 1384).

نوشته‌هاي فراواني مي‌توان يافت كه به اهميت مطالعه، وضعيت خوب مطالعه در جوامع ديگر و وضعيت بد مطالعه در جامعة ما پرداخته‌اند؛ اما انگيزه و هدف مطالعه به‌طور دقيق و جدي كمتر مورد بررسي قرار گرفته است (حري، 1385).

در بررسي‌هاي مربوط به عادت مطالعه، شناخت موانع و عوامل مؤثر، اهميت ويژه‌اي دارد.

**ضرورت و اهميت بررسي وضعيت مطالعه در زنان**

پژوهشهاي اندكي عادت مطالعه و عوامل مؤثر بر آن را در جامعة ايراني بررسي كرده‌اند. عمدة توجه اين پژوهشها، گروه‌هاي مختلف سنّي كودكان و نوجوانان، و منظور از مطالعه نيز خواندن كتاب، مجله و روزنامه بوده و در پايان، راه‌حلهايي براي بهبود وضعيت مطالعه اين نوع منابع اطلاعاتي، در گروه‌هاي سني مذكور پيشنهاد شده است.

عادت به مطالعه، مانند ساير عادتهاي زندگي روزمرّه، امري اكتسابي است كه مي‌تواند به بهترين نحو در خانواده، از والدين به فرزندان انتقال يابد.

در همين راستا، زنان - كه مسئوليت پرورش نسل آينده را در روند توسعة فرهنگي و اجتماعي بر عهده دارند - نيازمند نوسازي آگاهي‌ها و افزايش دانسته‌هاي خود از طريق مطالعه مي‌باشند. مطالعه با هر قصدي كه انجام شود، لذت يا سرگرمي، يادگيري و يا تصميم‌گيري بهتر، تغييراتي در فكر و انديشه ايجاد مي‌كند كه اگر توسعه يابد، رشد فكري و روشني انديشه را به دنبال دارد.

اين مقاله، بر آن است تا:

1.                   وضعيت مطالعۀ زنان شاغل و خانه‌دار را مشخص كند.

2.    معلوم دارد كه زنان شاغل و خانه‌دار چه موضوعهايي را براي مطالعه ترجيح مي‌دهند.

3.    تفاوت عادتهاي مطالعه (از نظر هدف، زمان و مكان مطالعه، انتخاب انواع منابع اطلاعاتي و ميزان اشتياق در تداوم مطالعه) زنان شاغل و خانه‌دار را مشخص نمايد.

4.    عوامل دروني و بيروني مؤثر بر مطالعۀ زنان شاغل و خانه‌دار را معيّن سازد.

**جامعة آماري و حجم نمونه**

از آنجا كه به طور معمول افراد تا حدود 25 سالگي به مطالعة درسي مي‌پردازند، به منظور پرهيز از تداخل مفهوم مطالعة درسي و غيردرسي در ميان پاسخگويان، جامعة آماري در اين بررسي، از اين سن به بالا انتخاب شد و نيز به دليل كاهش تواناييهاي جسمي و روحي افراد از حدود 45 سالگي به بالا و محدود كردن جامعة آماري، زنان تا اين محدودة سنّي به عنوان جامعة آماري در نظر گرفته شدند. لذا با توجه به نتايج سرشماري سال 1385 مركز آمار ايران - كه آمار سنين افراد را در دسته‌بندي ده ساله اعلام مي‌كند - جامعة آماري را زنان 24 تا 44 سالة شهر شيراز تشكيل مي‌دهند كه بر اساس اطلاعات مركز آمار ايران و طبق سرشماري سال 1385، بيش از 212481 نفر برآورد مي‌گردد (مركز آمار ايران، تهران، 1385).

براي محاسبۀ حجم نمونه، از فرمول كوكران استفاده شده كه به شرح زير است:

كه در آن:

n: حجم نمونه

t: عدد ثابت 96/1

p و q : وجود يا عدم وجود حقيقي كه حاصل‌ضرب آنها انحراف معيار و حاصل جمع آن يك مي‌باشد.

d: سطح معناداري كه برابر 05/0 در نظر گرفته شده است.

N: تعداد كل جامعه كه برابر 212481 مي باشد.

با توجه به ارقام فوق، حجم نمونه برابر خواهد بود با :

با توجه به احتمال وجود پاسخهاي مخدوش و بي‌جواب، 400 نفر مورد سؤال قرار گرفتند كه پس از حذف پرسشنامه‌هاي مخدوش، 391 پرسشنامه تجزيه و تحليل شد و از اين تعداد، 363 نفر پاسخگو بودند. جدول1، توزيع فراواني پاسخگويان را به تفكيك نشان مي‌دهد.

**جدول1. توزيع فراواني پاسخگويان بر حسب سن، به تفكيك زنان شاغل و خانه‌دار**

| **گروه سني** | **شاغل** | **خانه‌دار** | **جمع** |
| --- | --- | --- | --- |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| 24-29 سال | 54 | 9/41 | 88 | 3/38 | 142 | 6/39 |
| 30-34 سال | 30 | 2/23 | 47 | 4/20 | 77 | 4/21 |
| 35-39 سال | 27 | 9/20 | 32 | 9/13 | 59 | 4/16 |
| 40-44 سال | 18 | 14 | 63 | 4/27 | 81 | 6/22 |
| بي‌جواب | 1 | - | 3 | - | 4 | - |
| جمع | 130 | 100 | 233 | 100 | 363 | 100 |

**وضعيت مطالعة منابع اطلاعاتي**

در اين بررسي، ميزان مطالعة زنان شاغل و خانه‌دار، با ساير شيوه‌هاي گذران اوقات فراغت مقايسه شده است. بدين منظور، سعي شده برآوردي از ميزان مطالعة آنان ارائه گردد كه شامل مطالعة كتاب، مجله، روزنامه، مطالب در محيط اينترنت، لوح فشرده و شبكة پيام نماي تلويزيون است. يافته‌هاي اين بررسي نشان مي‌دهد ميزان مطالعه در مقايسه با ميزان ساير شيوه‌هاي گذران اوقات فراغت در ميان جامعة مورد بررسي، كمتر است كه اين نتيجه، هم در مورد زنان شاغل و هم در مورد زنان خانه‌دار صادق مي‌باشد.

با توجه به اينكه ميزان گذراندن اوقات فراغت پاسخگويان از طريق مطالعه توسط 6 گويه (مطالعه كتاب، مجله، روزنامه، مطالب در محيط اينترنت، مطالب در لوح فشرده، شبكه پيام نماي تلويزيون) سنجيده شده است و هر گويه نمرات صفر (هيچ‌وقت)، 1 (به ندرت)، 2 (گاهي) و 3 (اغلب) را به خود اختصاص مي‌دهد، نمرة پاسخگويان مي‌تواند از حداقل صفر (كساني كه هرگز مطالعه نمي‌كنند) تا حداكثر 18 (كساني كه از تمامي روشها در اغلب اوقات استفاده مي‌كنند) در نوسان باشد.

جدول2، توزيع فراواني پاسخگويان را بر حسب نمرة آنها از طيف ميزان مطالعه، نشان مي‌دهد.

**جدول2. توزيع فراواني پاسخگويان برحسب نمرة آنها ازطيف ميزان مطالعه در دو گروه مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **گروه****نمره** | **شاغل** | **خانه‌دار** | **جمع** |
| **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** | **تعداد** | **درصد** |
| صفر | 5 | 9/3 | 28 | 3/12 | 33 | 2/9 |
| 1-4 | 9 | 1/7 | 23 | 1/10 | 32 | 1/9 |
| 5-8 | 42 | 8/32 | 102 | 7/44 | 144 | 4/40 |
| 9-12 | 58 | 3/45 | 58 | 4/25 | 116 | 6/32 |
| 13-17 | 14 | 9/10 | 17 | 5/7 | 31 | 7/8 |
| بي جواب | 2 | - | 5 | - | 7 | - |
| جمع | 130 | 100 | 233 | 100 | 363 | 100 |
| ميانگين | 5/8 | 9/6 | 48/7 |

همان‌گونه كه در جدول 2 مشاهده مي‌شود، 2/9% پاسخگويان اصلاً مطالعه نمي‌كنند و 8/90% آنان، بخشي از اوقات فراغت خود را صرف مطالعه مي‌كنند كه ميانگين نمرة آنان از طيف ميزان مطالعه 48/7 است كه از حد متوسط نمرة طيف يعني 9 كمتر مي‌باشد و اين، نشان‌دهندة ميزان نسبتاً كم مطالعة پاسخگويان است. «حسيني و همكاران» (1384)، در نتايج پژوهش خود بيان كردند كه مطالعه، ورزش و فعاليتهاي اجتماعي، در گذران اوقات فراغت زنان خانه‌دار جامعة مورد پژوهش آنها كمترين نقش را دارد و آنان، عمدة اوقات فراغت خود را با صحبت كردن با زنان ديگر در كوچه و خيابان و تماشاي تلويزيون مي‌گذرانند. در پژوهش حاضر نيز اين نتيجه حاصل شد كه تماشاي تلويزيون، فعاليتهاي ورزشي و فرهنگي نظير گوش دادن به موسيقي، پرطرفدارترين شيوه‌هاي گذران اوقات فراغت محسوب مي‌گردد. همچنين، اين يافته‌ها، نتايج پژوهش «بحراني» (1379) را - كه در ميان شهروندان بالغ و باسواد غيرشاغل به تحصيل در شهر شيراز انجام شد و نشان‌دهندة سطح بسيار پايين ميزان مطالعة آزاد در جامعه بود - تأييد مي‌كند.

ميزان مطالعة زنان شاغل از زنان خانه‌دار بيشتر است، به طوري كه ميانگين نمرة زنان شاغل از طيف ميزان مطالعه 5/8 و اين ميانگين براي زنان خانه‌دار 9/6 است. اين تفاوت مي‌تواند دلايل متعددي داشته باشد، از جمله آن كه زنان شاغل با وجود فرصت كمتر نسبت به زنان خانه‌دار، در زندگي روزمرة خود معمولاً برنامه‌ريزي منظم‌تري دارند و همچنين، اين دسته از زنان براي پيشبرد هدفهاي شغلي خود، احساس نياز بيشتري به كسب اطلاعات دارند. بنابراين، جامعة مورد بررسي به آگاهي از اهميت مطالعه و برنامه‌ريزي دقيق براي پرداختن به مطالعه نياز دارند.

«كرمي» (1379) در پژوهش خود به اين نكته اشاره مي‌كند كساني كه بيشتر مطالعه مي‌كنند، در زندگي اجتماعي و كار گروهي فعاليت بيشتري دارند. اين نكته نيز در پژوهش حاضر تأييد مي‌شود.

**موضوعهاي مورد علاقه**

بررسي موضوعهاي مورد علاقة زنان شاغل و خانه‌دار، نشان مي‌دهد موضوعهاي پزشكي با ميانگين 81/3، روانشناسي با ميانگين 79/3، رمان با ميانگين 62/3 و مذهبي با ميانگين 37/3 بيشتر از ساير موضوعها مورد علاقة آنان است. اين در حالي است كه موضوعهاي سياسي با ميانگين 08/2، فني- مهندسي با ميانگين 89/2، و تاريخي با ميانگين 9/2، كمتر از موضوعهاي ديگر مورد توجه آنها قرار دارد.

پيش از اين، در پژوهشهاي گذشته به داستانهاي خيالي، سرگذشتها و ماجراها، طنز و شعر و ادبيات به عنوان بيشترين مطالب مورد علاقة زنان و دختران براي مطالعه اشاره شده بود (كيسر[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ")1998، چن[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") 2007).

**عادتهاي مطالعه**

در اين بررسي، به طور ضمني هدف از مطالعه سنجيده شده است، زيرا در ايجاد انگيزة مؤثر است. چنانچه سه هدف عمده از مطالعه و خواندن، يعني:

1- خواندن به قصد لذت بردن

2- خواندن به قصد ياد گرفتن

3- خواندن به قصد بهتر تصميم گرفتن و بهتر عمل كردن.

را مد نظر داشته باشيم، نتايج اين بررسي نشان مي‌دهد 64% پاسخگويان كه مطالب را براي مطالعه به طور اتفاقي انتخاب مي‌كنند و هرچه جالب به نظرشان برسد مي‌خوانند، به قصد لذت بردن مطالعه مي‌كنند.

2/14% آنان - كه طبق برنامة منظم به مطالعه مي‌پردازند - با هدف بهتر
تصميم گرفتن و بهتر عمل كردن مطالعه مي‌كنند و 8/21% پاسخگويان كه به منظور پاسخ به سؤالي كه در ذهن دارند، به خواندن و مطالعه مي‌پردازند، هدفشان خواندن به قصد يادگيري است. اين، در حالي است كه زنان شاغل بيش از زنان خانه‌دار از برنامة مطالعاتي پيروي مي‌كنند و اين نيز، نشان مي‌دهد زنان خانه‌دار بيشتر به برنامه‌ريزي براي مطالعه نياز دارند و يكي از راه‌هاي آن، در اين باره مي‌تواند تشكيل كارگاه‌هاي آموزش در كانونهاي فرهنگي و مساجد باشد.

اين نكته را نيز ‌بايد افزود كه هنوز منابع چاپي بيش از منابع غيرچاپي مورد توجه واقع است؛ به طوري كه 1/53% افراد مورد بررسي فقط از منابع چاپي استفاده مي‌كنند و 6/3% آنان، فقط از منابع غيرچاپي بهره مي‌گيرند و بقيه، هم از منابع چاپي و هم از منابع غيرچاپي سود مي‌جويند. اين نتايج حاكي از آن است كه زنان خانه‌دار بيش از زنان شاغل منابع چاپي را به كار مي‌برند. لذا آموزش استفاده از منابع غيرچاپي، براي هر دو گروه ضروري به نظر مي‌رسد كه در برنامه‌ريزيهاي ترغيب مطالعه و خواندن، بايد به آن توجه كرد.

نتايج اين بررسي نشان داد بيشتر زنان، برنامة زماني مشخصي براي مطالعه ندارند؛ به طوري كه 9/52% هر وقت حوصله داشته باشند، مطالعه مي‌كنند و تنها 8/17% طبق برنامة زماني از قبل تنظيم شده، به مطالعه مي‌پردازند و 2/29% نيز ترجيح مي‌دهند قبل از خواب مطالعه كنند. نكتة درخور توجه اين است كه نبود برنامه‌ريزي در زمان مطالعة زنان خانه‌دار بيشتر مشاهده مي‌شود؛ به گونه‌اي كه 7/60% آنها هر وقت حوصله داشته باشند، مطالعه مي‌كنند و اين درصد، براي زنان شاغل39% است.

هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، بهترين مكان را براي مطالعه، مكاني خلوت و اتاق جداگانه مي‌دانند؛ به طوري كه 3/67% آنان ترجيح مي‌دهند در مكان مجزا و خلوت مطالعه كنند. در حالي كه 3/12% در بستر خواب و بقيه در جمع و در حضور ديگران به مطالعه مي‌پردازند. لذا با توجه به اين يافته‌ها، بايد در برنامه­ريزيهاي ترغيب‌كنندة زنان به خواندن و مطالعه، به تعيين برنامة زماني منظم براي مطالعه و پيش‌بيني مكان مناسب آن توجه كرد. در پژوهشهاي پيشين از جمله در پژوهش «بحراني» (1379) نيز اين نكات گزارش شده است.

 در بررسي ميزان اشتياق براي اتمام يك مطلب، خوشبختانه نتايج حاكي از آن است كه بيشتر زنان براي به اتمام رساندن مطلب مورد مطالعة خود اشتياق خوبي دارند؛ به طوري 4/51% مي‌‌كوشند به سرعت مطلب را به اتمام برسانند و 2/11% در هنگام مطالعه زود خسته و خواب‌آلوده مي‌شوند و بقيه نيز، سرعت چنداني در مطالعه ندارند. در اين خصوص، تشكيل گروه‌هاي مطالعه، ارائة ناتمام مطالب و معرفي منابع به منظور پايان بخشيدن به مطالب، راهكاري مناسب براي تقويت انگيزة مطالعه در آنان به نظر مي‌رسد.

**عوامل مؤثر بر ميزان مطالعه**

**1. ميزان مطالعة والدين:** در بررسي عوامل مشوق و بازدارندة دروني مؤثر بر ميزان مطالعه، مشخص شد زناني كه پدران و مادرانشان به مطالعه عادت دارند، خود نيز به خواندن و مطالعه علاقه‌مندترند؛ به طوري كه ميانگين ميزان مطالعة زناني كه والدينشان اهل مطالعه بوده‌اند، 4/8 مي‌باشد. در حالي كه اين ميزان براي زناني كه والدينشان عادت به مطالعه ندارند، 38/6 است. در پژوهشهاي گذشته، بر اين نكته بسيار تأكيد شده است. مقايسة دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، نشان مي‌دهد والدين زناني كه شاغل بوده‌اند، بيش از والدين زنان خانه‌دار مطالعه مي‌كرده‌اند؛ به طوري كه 5/68% از پدران و مادران زنان شاغل و 2/50% از والدين زنان خانه‌دار اهل مطالعه بوده‌اند و اين، حاكي از آن است كه زناني كه والدين آنها اهل مطالعه‌اند، بيشتر در اجتماع فعاليت دارند و اين نكته نيز، مؤيد پژوهشهاي قبل است مبني بر اينكه كساني كه بيشتر مطالعه مي‌كنند، در زندگي اجتماعي و كار گروهي، فعاليت بيشتري دارند.

**2. ميزان مطالعه در دوران كودكي و نوجواني:** «اماني» (1379) در نتايج پژوهش خود به اين نكته اشاره دارد كه بين مطالعه در دوران كودكي و نوجواني و تداوم مطالعه در دوران بزرگسالي رابطة معنا‌دار وجود دارد. اين پژوهش نيز نشان داد ميزان كتابخواني افراد در دوران كودكي، ميزان مطالعة آنان را در بزرگسالي تحت تأثير قرار مي‌دهد. به طوري كه ميانگين مطالعة زناني كه در دوران كودكي مطالعه مي‌كرده‌اند، 97/7 است. در حالي كه اين ميانگين براي زناني كه در دوران كودكي مطالعه نمي‌كرده‌اند، 34/5 است و اين، نشان‌دهندة نقش پدران و مادران در ايجاد عادت مطالعه در فرزندان است كه تقريباً در تمامي متون مربوط به مطالعه و خواندن، بر اين نقش تأكيد فراوان شده است.

**3. سنّ افراد:** از ديگر عوامل دروني كه ميزان مطالعه را تحت تأثير قرار مي‌دهد، سنّ افراد مورد بررسي است كه با افزايش سن، تمايل به مطالعه كاهش مي‌يابد.

**4. ميزان تحصيلات:** افزايش تحصيلات نيز مي‌تواند تأثير مثبتي بر ميزان مطالعه داشته باشد؛ به طوري كه ميانگين ميزان مطالعة زناني كه داراي مدرك كارشناسي ارشد هستند، 11/10 است. در حالي كه اين ميانگين براي افراد ديپلم 1/6 مي‌باشد.

**5. وضعيت تأهل:** وضعيت تأهل نيز بر ميزان مطالعة زنان تأثيرگذار است؛ بدين ترتيب كه ميانگين ميزان مطالعة افراد مجرد 5/8 است؛ در حالي كه اين ميانگين براي افراد متأهل 7 است.

**6. تمايل همسران زنان متأهل به مطالعه:** از ديگر عواملي است كه در ميزان مطالعة آنان نقش اساسي دارد. به طوري كه زناني كه همسرانشان اهل مطالعه هستند، بيش از زناني كه همسران آنان به اين كار تمايل ندارند، به مطالعه و خواندن مي‌پردازند. ميانگين نمرة زناني كه همسرانشان اهل مطالعه مي‌باشند، از طيف ميزان مطالعة 65/7 است. در صورتي كه اين ميانگين براي آنان كه همسرانشان اهل مطالعه نيستند، 59/6 است. گفتني است، دليل اصلي مخالفت همسران با مطالعة زنان، غافل شدن از امور منزل و بي‌توجهي به آنها در هنگام مطالعه بيان شده است. بنابراين، ضمن آنكه زنان متأهل به يك برنامه‌ريزي منظم براي مطالعه كردن نياز دارند تا از امور منزل و توجه به همسر و فرزندان غافل نشوند، همسران آنها نيز به آموزش دربارة اهميت مطالعة زنان و تأثير آن بر خانواده، نيازمندند.

**7. دسترسي به منابع اطلاعاتي:** بررسي عوامل بازدارنده و مشوق مؤثر بر ميزان مطالعة جامعه مورد پژوهش، نشان مي‌دهد نداشتن دسترسي به منابع، از جملة عوامل بازدارندة مطالعه كردن محسوب مي‌گردد. يافته‌ها، حاكي از آن است كه مراجعه به كتابفروشي‌ها و خريد كتاب، عمده‌ترين روش دسترسي به منابع در ميان جامعة مورد پژوهش مي‌باشد و در اين ميان، زنان شاغل بيش از زنان خانه‌دار براي تأمين منابع اطلاعاتي مورد نياز خود به كتابفروشي‌ها مي‌روند و اين امر مي‌تواند به دليل استقلال مالي آنان باشد. دومين روش رايج براي دسترسي به منابع، تأمين منابع مورد نياز از طريق اقوام و دوستان ذكر شده است كه از اين نظر، تفاوت معنا‌دار ميان زنان شاغل و خانه‌دار وجود ندارد.

مراجعه به نمايشگاه كتاب نيز يكي ديگر از روشهاي تهية منابع اطلاعاتي مورد نياز جامعة پژوهش است. 7/24% از زنان مورد بررسي، هميشه يا اغلب اوقات از اين طريق منابع مورد نياز خود را تأمين مي‌كنند و باز زنان شاغل به دليل استقلال مالي، بيش از زنان خانه‌دار براي تهية منابع اطلاعاتي مورد نياز خود به اين‌گونه نمايشگاه‌ها مراجعه مي‌كنند.

كتابخانه‌هاي سطح شهر، كمترين نقش را در تأمين منابع اطلاعاتي درخواستي زنان مورد پژوهش ايفا مي‌كنند و اين، نشان‌دهندة جايگاه ضعيف كتابخانه‌ها بخصوص كتابخانه‌هاي عمومي سطح شهر در نزد جامعة پژوهش است. نتايج نشان مي‌دهد زنان شاغل بيش از زنان خانه‌دار از كتابخانه‌هاي سطح شهر استفاده مي‌كنند، به طوري كه 5/28% از زنان شاغل و 4/22% از زنان خانه‌دار، هميشه يا اغلب اوقات منابع اطلاعاتي مورد نياز خود را از كتابخانه‌هاي سطح شهر به دست مي‌آورند. لذا كتابخانه‌هاي عمومي، بايد به گونه‌اي متحول گردند كه با روشهاي نوين اطلاع‌رساني، در خدمت عموم شهروندان بويژه زنان جامعه باشند. «حسيني و همكاران» (1385) نيز كمبود وقت را عمده‌ترين مانع بهره‌گيري پاسخگويان از كتابخانه‌هاي سطح شهر مطرح كرده­اند. 53% پاسخگويان، در حد زياد و خيلي زياد با كمبود وقت مواجه هستند و مقايسة دو گروه، نشان داده است كه زنان شاغل بيش از زنان خانه‌دار با اين مسئله مواجهند.

عامل ديگري كه مانع روي آوردن زنان مورد پژوهش به كتابخانه‌ها مي‌گردد، مسافت زياد قيد شده است. 4/51% زنان در حد زياد و خيلي زياد، به دليل مسافت، از مراجعه به كتابخانه‌هاي سطح شهر براي تأمين منابع اطلاعاتي مورد نياز خود امتناع مي‌ورزند.

تأسيس كتابخانه‌هاي تلفني در سطح گسترده و ارائة خدمات تلفني در كتابخانه‌هاي عمومي، به گونه‌اي كه منابع اطلاعاتي مورد نياز كاربران را در منزل يا محل كار تحويل دهد و هزينة آن را دريافت كند، به عنوان راهكاري مناسب جهت جبران كمبود وقت افراد و مسافت زياد كتابخانه‌ها از محل كار يا منزل، پيشنهاد مي‌گردد. البته، نبايد فراموش كرد كه چه بسا اين كار هزينه­اي بيش از قيمت كتاب دارد و گاهي مقرون به صرفه نيست.

7/21% پاسخگويان به كمبود منابع مناسب براي مطالعه در كتابخانه‌ها، 4/21% به قوانين و مقررات امانت گرفتن منابع در كتابخانه‌ها، 8/15% به رفتار كتابداران، 2/15% به ناآشنايي با خدمات كتابخانه‌ها و 6/10% از افراد مورد بررسي، به روش استفاده از منابع در كتابخانه‌ها، در حد زياد و خيلي زياد، به عنوان موانع مراجعه به كتابخانه‌ها اشاره كرده‌اند و در اين مورد، بين زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنا­دار وجود ندارد.

هر چند به موانع اخير در سطح وسيع اشاره نشده است، اما نكاتي قابل توجه است كه مي‌توان با آموزش صحيح و اطلاع‌رساني دقيق كتابداران دلسوز، آنها را مرتفع ساخت.

**8. دسترسي به رايانه و مهارت استفاده از آن:** از ديگر عوامل بيروني مؤثر بر ميزان مطالعه، دسترسي به رايانه و مهارت استفاده از آن است. تحليل داده­ها نشان مي‌دهد 8/78% افراد مورد پژوهش به رايانه دسترسي دارند و 2/21% اصلاً به رايانه دسترسي ندارند. مقايسة دو گروه نشان مي‌دهد دسترسي زنان شاغل به رايانه، بيش از زنان خانه‌دار است. همچنين 04/68% زنان شاغل و خانه‌دار مورد بررسي به شبكة اينترنت دسترسي داشته و 96/31% به اين شبكه دسترسي ندارند. مقايسة دو گروه حاكي از آن است كه دسترسي زنان شاغل به شبكة اينترنت، از زنان خانه‌دار بيشتر است.

6/34% پاسخگويان در بهره‌گيري از رايانه، در سطح عالي و خيلي خوب مي‌باشند. در حالي كه 8/20% اصلاً در اين زمينه مهارتي ندارند و مهارت 3/16% نيز در حدّ ضعيف است. از مقايسة دو گروه، اين نتيجه حاصل شد كه زنان شاغل در استفاده از رايانه در مقايسه با زنان خانه­دار، مهارت بيشتري دارند.

ميزان مهارت پاسخگويان در استفاده از اينترنت، از مهارت بهره‌گيري از رايانه كمتر است؛ به طوري كه 4/25% آنها در حد عالي و خيلي زياد در استفاده از اينترنت مهارت دارند، در حالي كه 4/30% در اين زمينه هيچ‌گونه مهارتي ندارند و 20% هم مهارت كمي دارند. مقايسة دو گروه، حاكي از آن است كه مهارت زنان شاغل در استفاده از شبكة اينترنت، از زنان خانه‌دار بيشتر است.

همان گونه كه نتايج نشان مي‌دهد، درصد پاييني از زنان در استفاده از رايانه و اينترنت مهارت دارند. لذا با توجه به مطالب ياد شده، آموزش زنان به منظور ايجاد و افزايش مهارت استفاده از رايانه و شبكة اينترنت، امري ضروري است كه بايد در برنامه‌هاي ترويج فرهنگ مطالعه، مورد توجه قرار گيرد. اين موارد از طريق برگزاري كارگاه‌هاي آموزشي در كانونهاي فرهنگي و مساجد، امكان‌پذير مي‌باشد.

**9. آشنايي با زبان انگليسي:**از ديگر يافته‌هاي پژوهش حاضر، بايد به اين اشاره كرد كه 7/25% پاسخگويان در حد عالي و خيلي زياد با زبان انگليسي آشنايي دارند و 3/24% هيچ‌گونه مهارتي در اين زمينه ندارند و 6/18% مهارت كمي دارند. مقايسة دو گروه نشان مي‌‌دهد زنان خانه‌دار در استفاده از زبان انگليسي مهارت كمتري دارند. بر اساس اين يافته‌ها، ميزان تسلط به زبان انگليسي در ميان جامعة پژوهش پايين است. آموزش زبان انگليسي به زنان- كه يكي از ابزارهاي ضروري در بهره‌گيري از رايانه و اينترنت محسوب مي‌گردد- مي‌تواند بر درجه بهره­وري از رايانه بيفزايد.

**10. ساير عوامل:**نكتة آخر اينكه، در بررسي نگرش پاسخگويان نسبت به روشهاي ايجاد و افزايش انگيزة مطالعه در زنان، به مواردي از قبيل انجام كارهاي فرهنگي و تبليغات به منظور بازگفت اهميت و فوايد مطالعه، معرفي كتاب از طريق رسانه‌هاي عمومي، كاهش قيمت كتاب، افزايش كتابخانه‌هاي محلي، آموزش برنامه‌ريزي به منظور كاهش زمان كار در منزل، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌هاي مناسب، به منظور آگاهي‌رساني به زنان جامعه، برگزاري مسابقات كتابخواني براي زنان، ايجاد عادت به مطالعه از كودكي، افزايش تعداد كتابفروشيها، افزايش منابع اطلاعاتي صوتي، عرضه كردن بن كتاب ويژة بانوان، ايجاد وبگاه‌هاي اينترنتي مناسب جهت اطلاع‌رساني و افزايش آگاهي زنان و دسترسي وسيع تر به شبكة اينترنت، اشاره شده است.

**نتيجه‌گيري**

عوامل بسياري، در افزايش عادت مطالعه تأثيرگذار است. اما باتوجه به اهميت مطالعه و دريافت اطلاعات، آنچه بيش از همة عوامل در اين زمينه ضرورت دارد، برنامه‌ريزي دقيق و عملي است. هرچند اهميت ايجاد تسهيلات را در افزايش انگيزة مطالعه نمي‌توان انكار كرد، اما بدون برنامه­ريزي صحيح مطالعاتي نيز نمي­توان انتظار داشت وضعيت مطالعه در جامعه بهبود يابد.

چنانچه برنامه­ريزي مطالعاتي براي گروه‌هاي مختلف جامعه شامل زنان، مردان، كودكان و نوجوانان، به تفكيك و باتوجه به خصوصيات هر گروه صورت گيرد، تأثير بيشتري خواهد داشت. به ياد داشته باشيم، پدران و مادران بهترين الگوي تربيتي براي فرزندان مي‌باشند.

**پيشنهادها**

در اين قسمت، باتوجه به نتايج حاصل از پژوهش و با استفاده از نظرهاي پاسخ‌دهندگان و همچنين مطالعات كتابخانه‌اي، به منظور افزايش انگيزة مطالعه، پيشنهادهايي ارائهمي‌گردد:

1.    ايجاد «مؤسسۀ ترغيب به خواندن و مطالعه» در زيرمجموعة سازمانها و نهادهايي كه به ارائة خدمات علمي- فرهنگي مي‌پردازند. اين مؤسسه، مي‌تواند از دانشجويان كتابداري به عنوان نيروي انساني بهره بگيرد، ضمن اينكه براي دانشجويان كتابداري هم دورة كارآموزي در نظر گرفته شود.

2.    اختصاص30 تا60 دقيقه زمان مطالعه در محل كار به زنان شاغل به منظور كسب آگاهي و دانش، در برنامه‌ريزي مديران سازمانها و نهادهاي دولتي و غيردولتي.

3.    تأمين منابع مورد نياز زنان شاغل براي مطالعه، از طريق كتابخانه‌هاي محل كار يا امانت بين كتابخانه‌ها.

4.    اهداي بن كتاب به زنان شاغل، به مناسبتهاي ويژه از جمله روز بزرگداشت مقام زن.

5.    تشكيل گروه‌هاي مطالعه، متشكل از زنان شاغل در محل كارشان و نيز زنان خانه‌دار ساكن در يك محل، به منظور مطالعه دربارة موضوعي مشخص در مدت زماني معيّن و سپس بحث وتبادل نظر در خصوص آن موضوع پس از موعد مقرر.

6.    در زمينة ايجاد فرهنگ مطالعه در جامعه، كتابداران بيش از همه مي‌توانند به ايفاي نقش بپردازند تا احساس نياز به وجود آنان نيز در جامعه ايجاد گردد. در اين ميان، دانشجويان كتابداري از جمله فعّالان در زمينة ايجاد فرهنگ مطلوب مطالعه محسوب مي‌گردند. چنانچه در طرح درس دورة كارشناسي، از واحدهاي دورة كارآموزي، 2 واحد به عنوان «ترغيب خواندن و مطالعه در جامعه» در نظر گرفته شود، از نيروي اين دانشجويان مي‌توان جهت آموزش و برنامه‌ريزي مطالعه در ميان اقشار مختلف جامعه از جمله زنان استفاده كرد.

7.    ايجاد كتابخانه‌هاي تلفني، به گونه‌اي كه منابع اطلاعاتي مورد نياز، پس از تماس تلفني در محل كار يا منزل تحويل گردد تا از اين طريق، مشكل رفت و آمد به كتابخانه‌ها و دوري راه، تا حدودي رفع شود.

8.    عضويت مادران در كتابخانه‌هاي مدارس فرزندان؛ به گونه‌اي كه اولياي مدرسه، از آنان بخواهند موضوعهاي خاصي را مطالعه و در جلسات بحث و تبادل نظر در زمينة آن موضوع خاص شركت كنند.

9.                   برگزاري همايشهاي مربوط به «مطالعه و خواندن» در مدارس.

10.    برگزاري دوره‌هاي آموزش مربوط به «مطالعه و خواندن» در كانون‌هاي فرهنگي مساجد كه عبارتند از: برنامه‌ريزي براي مطالعه، آموزش روشهاي صحيح مطالعه، آموزش استفاده از كتابخانه، آموزش استفاده از رايانه و اينترنت و نظاير آن. در اين زمينه نيزمي‌توان از دانشجويان كتابداري جهت برگزاري دوره‌هاي آموزشي دعوت كرد يا براي آنان دورۀ كارآموزي در نظر گرفت.

11.    ايجاد كتابخانه در مهدهاي كودك؛ به طوري كه ساعتهايي كه مادران براي ديدن يا تحويل گرفتن فرزند خود به مهد كودك مراجعه مي‌كنند، بتوانند از اين كتابخانه‌ها استفاده كنند.

12.   كتابخانه‌هايي در باشگاه‌هاي ورزشي ايجاد گردد تا افرادي كه به منظور فعاليتهاي ورزشي به اين‌گونه مكانها مي‌روند، بتوانند در وقت آزاد خود به مطالعه بپردازند.

13.   تجهيز كتابخانه‌هاي مساجد. در زمينة ايجاد فرهنگ مطالعه، مي‌توان با برنامه­ريزي و نظارت دقيق، از كتابخانه‌هاي مساجد و كانونهاي فرهنگي واقع در مسجدهاي محل به بهترين نحو استفاده كرد، بويژه در ماه‌هاي خاص سال مانند رمضان، محرم و... . همان‌گونه كه ذكر شد، در اين زمينه مي‌توان از نيروي دانشجويان كتابداري هم بهره جست.

14.   پخش برنامه­هاي آموزش خواندن و روشهاي مطالعه، برنامه‌ريزي مطالعه وبرنامه­هاي تبليغاتي جهت ترغيب خواندن و مطالعه در رسانه­هاي همگاني بويژه صدا و سيما كه بيشترين مخاطب را به خود اختصاص مي‌دهند. البته اين برنامه‌ها، بايد در طول سال پيگيري و محدود به مقطعي از سال و ماه نگردد.

15.

|  |
| --- |
|     |

به زنان توصيه مي‌شود كه هميشه نوعي از مواد خواندني را همراه خود و يا در اطراف خود داشته باشند تا در وقت‌هاي آزاد خود به مطالعة آن بپردازند. همچنين، عنوانها يا موضوعهايي را كه مي‌خوانند، يادداشت كنند، زيرا فهرستبرداري از مواد خوانده شده، شوق تداوم مطالعه را در فرد برمي‌انگيزد. خلاصه‌نويسي و يادداشت‌برداري از مطالب خوانده شده نيز، كمك مي‌كند تا ضمن به ياد سپردن مطالب، ميل به خواندن تقويت گردد.

**منابع**

- اماني، غفور (1379). «رابطة مطالعة دوران كودكي‌- نوجواني با مطالعة دوران بزرگسالي». **فصلنامة كتابداري،**دفتر سي و چهارم: 15 -21.

- بحراني، محمود (1379). «چگونگي فعاليت كتابخواني مردم شيراز از لحاظ مدت زمان مطالعة آزاد، عوامل بازدارنده وعوامل همبسته با آن».**گزارش طرح مصوب شوراي
پژوهش هاي دانشگاه شيراز.**

- حري، عباس (1385). «راه‌هاي ارتقاي ميزان مطالعه».**اطلاع‌رساني نظام‌ها و فرآيندها**. تهران: كتابدار.

- حسيني، معصومه ... [و ديگران] (1385). «بررسي چگونگي گذران اوقات فراغت در بين زنان منطقة تحت پوشش پايگاه تحقيقات جمعيتي دكتر محمد قريب شهر اراكدرسال1384». **ويژه‌نامة ره‌آورد دانش**، 9 (تابستان، 1385): 175-210.

 fa/viewpaper.asp?ID=5445/[http://www.sid.ir](http://www.sid.ir/) (دسترسي در 10/8/1387).

- دهخدا، علي اكبر (1377). **لغتنامة دهخدا**. جلد 13. تهران: مؤسسة انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- رحماني، بتول (1384).فرهنگ ايجاد انگيزة مطالعاتي. **فرهنگ آموزش**
دورة 1: 5-6 ،47.

- كرمي، باباجان (1379). **بررسي ميزان و پاره اي از مشكلات مربوط به آن در ميان فرزندان (دختر و پسر) شاهد در مقطع تحصيلي متوسطه در مدارس شاهد شيراز و دانشجويان شاهد شيراز در دو دانشگاه شيراز و علومپزشكي شيراز.**پايان نامة كارشناسي ارشد كتابداري واطلاع‌رساني، دانشكدة علوم تربيتي دانشگاه شيراز.

- مركز آمار ايران. نتايج سرشماري عمومي نفوس و مسكن سال 1385.http://www.Sci.org.ir (دسترسي در 15/10/1387).

- Caesar, Ann Hallamore (2002). "Abort town: the City and the female reader , 1860- 1900". **Modern Italy** , 7 (2), 129- 141. http://www.ingentaconnect.com (accessed June 27, 2008).

- Chen, Su- yen (2007). "Extracurricular reading habits of college Students in Taiwan: Findings from two national Surveys". **Journal of Adolescent & Adult Literacy**, 50(8), 642-653. [http://www.ira.org](http://www.ira.org/) (accessed December 11, 2008).

1. استاديار گروه كتابداري و اطلاع‌­رساني دانشگاه الزهرا (س). hkiani2000@yahoo.com

2. دانشيار گروه كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه الزهرا (س). srezaei@alzahra.ac.ir

3. دانش‌آموختۀ كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. shahla\_sam@yahoo.com

1. Caesar.

2.Chen.